رابطهٔ استفاده از امکانات محلی با بُعد اقتصادی مقتدرسازی

شهناز صداقت‌زادگان‌اصفهانی*

طرح مسئله: *برای مقتدرسازی گروه‌های فقیر جامعه مانند زنان سرپرست خانوار بعد اقتصادی دارای اهمیت است، این تحقیق درجستجوی راه حلی برای تقویت بعد اقتصادی مقتدرسازی گروه‌های همیار زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی است.*

روش: *جامعهٔ مورد مطالعه شامل ۲۵ گروه همیار شهرستان تهران است که در حدود ۱۱۵ زن سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی را در بر می‌گیرد. میزان استفاده از امکانات محلی و رابطهٔ آن با میزان درآمد و مالکیت گروه‌های همیار با استفاده از پرسشنامه و کنترل داده‌های آن به وسیله مشاهده مستقیم بررسی شد.*

یافته‌ها: *مراجعه به امکانات محلی با بعد اقتصادی مقتدرسازی رابطه دارد. استفادهٔ بیش‌تر مددکار اجتماعی از امکانات محلی با افزایش میزان درآمد گروه همیار رابطه نشان می‌دهد، در صورتی که اتکا بر اعتبارات و اقدامات ستادی سازمان بهزیستی تنها با افزایش میزان مالکیت گروه همیار رابطه نشان می‌دهد.*

نتایج: *دوام و بقای مقتدرسازی اقتصادی و درآمد حاصل از آن برای گروه‌های همیار زنان سرپرست خانوار با استفاده و اتکای مددکار اجتماعی، به امکانات محلی رابطه نشان می‌دهد.*

کلید واژه‌ها: امکانات محلی، بعد اقتصادی مقتدرسازی، زنان سرپرست خانوار، گروه‌های همیار

تاریخ دریافت مقاله: **۸۷/۳/۲۵** ***تاریخ پذیرش:*** **۸۹/۷/۱۳**

* دکتر جامعه‌شناس، استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور <ssedaghatzadeghan@yahoo.com>

مقالهٔ حاضر بخشی از پژوهشی است که با حمایت معاونت پژوهشی دانشگاه‌علوم‌بهزیستی وتوان‌بخشی انجام شده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

مقدمه

نظریهٔ مقتدرسازی[1] برای حمایت از زنان محروم و نیازمند یکی از جدیدترین و متداول‌ترین نظریه‌های توسعه اجتماعی در سال‌های اخیر است. این نظریه در مقایسه با نظریهٔ رفاه تأکید کم‌تری بر نقش فرزندآوری زنان دارد، زنان را کم‌تر منفعل می‌نگرد و رفاه آنان را فراتر از بهبود تغذیهٔ کودکان و یا تنظیم خانواده می‌بیند. در آغازین گام‌های نظریهٔ دولت رفاه، نظریهٔ رفاه متداول‌ترین نظریهٔ سیاست‌های توسعه اجتماعی مربوط به زنان بود (Smale et al, 2001: 448). با اعتراض و انتقاد زنان تحصیل کرده و متخصص و اقتصاد دانان امر توسعه و برنامه‌ریزی و همین طور انتقاد سازمان ملل، نظریهٔ رفاه با تأکید بر نقش مادرانه و فرزندآوری زنان جای خود را به ترتیب به نظریه‌های برابری(در پی حذف ایدئولوژی جنسیتی حامی نابرابری بین دو جنس)، فقرزدایی(افزایش دسترسی به منابع تولیدی و درآمد)، کارآیی(افزایش مشارکت زنان در امور اقتصادی) و بالأخره نظریهٔ مقتدرسازی داد(یونیسف و دفتر امور مشارکت زنان، ۱۳۸۲). نظریهٔ مقتدرسازی برای بهبود شرایط زندگی زنان در پی توزیع مجدد قدرت در داخل خانواده و همچنین اجتماعات مختلف است. یکی از ابزارهایی که در حال حاضر در سازمان‌های حمایتی مانند کمیتهٔ امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی مطرح است طرح گروه‌های همیار[2] است که سعی می‌کنند به کمک مددکار اجتماعی امکانات محلی را در جهت مقتدرسازی زنان سرپرست خانوار[3] به کار گیرند.

طرح مسئله

در چارچوب نظریهٔ مقتدرسازی، حل مشکلات زنان سرپرست خانوار نیازمند نگرشی فراتر از چارچوب فرد و خانواده است. این نظریه به ملزومات پنهان روابط قدرت نیز

1. empowerment
2. self - help Group
3. women - headed household

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

عنایت خاص دارد (Dominelli, 2002: 69). بر اساس نظریهٔ مقتدرسازی پاسخ‌گویی به پنج نیاز ضرورت دارد:

۱ـ درآمد به معنای تامین نیازمندی‌های ضروری زندگی است؛

۲ـ مالکیت به معنای دسترسی به عوامل تولید است به نحوی که درآمد و استخدام در پی داشته باشد؛

۳ـ آگاهی به معنای درک نابرابری ساختاری به نحوی است که کمبودها به جای بی کفایتی شخصی به ضعف سیستم اجتماعی نسبت داده شود؛

٤ـ کنترل به معنای افزایش کنترل بر تولیدات و منابع است؛

۵ـ مشارکت به معنای حضور در همهٔ مراحل تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی است (یونیسف و دفتر امور مشارکت زنان، ۱۳۸۲).

بر این اساس، نظریهٔ مقتدرسازی پاسخ‌گویی به پنج نیاز فوق را سرلوحهٔ خود قرار داده است. تحقق ابعاد مختلف مقتدرسازی تلاش مستمر و نظام مند سازمان‌های زنان، مددکار اجتماعی و زنان سرپرست خانوار را می‌طلبد. اساساً هدف مددکاری اجتماعی، کمک به جوامعی است که اجتماعات آن‌ها برای حمایت از محرومان خود ناتوان است. در قرن ۱۹ و تا قبل از این که رشتهٔ مددکاری اجتماعی ظهور کند حمایت از محرومان بر عهدهٔ خیریه‌ها و سازمان‌های داوطلبانه قرار داشت. وجه ممیز مددکاری اجتماعی از نهادهای مذکور فراتر رفتن از اندیشه‌ها و تفکرات روان شناختی حاکم است(Smale et al, 2001: 448). جدیدترین تعریف مددکاری اجتماعی، بالا بردن سطح بهزیستی مردم از طریق ارتقای تحولات اجتماعی، حل مشکل روابط انسانی و همچنین قادرسازی و آزادی عمل آن‌ها است (بیانیهٔ نشست عمومی فدراسیون بین المللی مددکاری اجتماعی، ۲۰۰۰). تفکری که به جای فردی نگری، در پی اصلاح یا حذف ساختار و چارچوب‌های محرومیت آفرین است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

در ایران نیز قبل از پیدایش رشتهٔ مددکاری اجتماعی خیرین محلی و دولتمردان به صورت فردی و گروهی به دستگیری از نیازمندان و به ویژه زنان سرپرست خانوار می‌پرداختند. پس از انقلاب اسلامی سازمان بهزیستی برای حمایت از خانواده‌های نیازمند از جمله زنان سرپرست خانوار تأسیس شد. تعداد خانوارهای زن سرپرست نیازمند حمایت و تحت پوشش سازمان مذکور تا سال ۱۳۸۲ به ۱۲۱ هزار مورد رسید. در همین سال بودجهٔ اختصاص یافته به این قشر ۱۵٤ میلیارد ریال و جمع تسهیلات پرداختی ۵۵ میلیارد ریال تعیین شد(دفتر امور زنان و خانواده سازمان بهزیستی، ۱۳۸۲). با یک تقسیم ساده ملاحظه می‌شود سرانهٔ تعیین شده برای هر خانوار سالیانه کم‌تر از ۲ میلیون ریال بوده است. بودجه و سرانهٔ ناکافی تخصیص یافته به این امر مدیران سازمان بهزیستی را بر آن داشته است تا برای افزایش سهم اختصاص یافته در امر مقتدرسازی زنان سرپرست خانوار از محل بودجه سازمان تلاش می‌کنند. اما آیا افزایش بودجهٔ تخصیص یافته به تنهایی می‌تواند تضمین کنندهٔ توفیق طرح‌های مقتدرسازی و بالأخص بعد اقتصادی آن باشد؟ از سال ۱۳۷۹ برای مقتدرسازی زنان سرپرست خانوار طرحی با عنوان گروه‌های همیار به اجرا گذاشته شد. در دستورالعمل تشکیل گروه‌های همیار ضرورت استفاده از امکانات محلی برای مقتدرسازی این خانواده‌ها تصریح شده است. پژوهش حاضر در پی مطالعهٔ نقش استفاده مددکار اجتماعی از امکانات محلی در تحقق بعد اقتصادی مقتدرسازی زنان سرپرست خانوار از طریق گروه‌های همیار است.

نظریه‌ها

نظریهٔ کارکردگرایی

به منظور درک بهتر ضرورت به کارگیری امکانات محلی در خدمت مقتدرسازی گروه‌های محروم جامعه از آموزه‌های کارکردگرایی استفاده می‌شود. کارکردگرایی جامعه را نظامی باز تحلیل می‌کند. رویکرد کارکردگرایی به مددکار اجتماعی کمک می‌کند تا در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

زمینهٔ مشکلات فردی مددجویان، به مسائل بزرگ‌تر بیاندیشد. از این دیدگاه مشکلات زنان سرپرست خانوار از دیدگاه دوگانهٔ مشکلات فردی و موضوعات اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد (مافت و بی اشفورد، ۱۳۷۵: ۱۹۵). خدمت بزرگ نظریهٔ کارکردگرایی به مددکاری اجتماعی رها کردن آن از چنگال سیطرهٔ روان درمانی و نظریه‌های شخصیت بود تا مددکار اجتماعی به زمینه‌های نهادی و سوگیری به سمت تصمیمات اساسی هدایت شود (Shankar, 1999: 137). از چشم‌انداز نظریهٔ کارکردگرایی سیستم، از طریق مبادلهٔ ستانده و داده با محیط ارتباط برقرار می‌کند تا بتواند داده‌های بیش‌تری را برای محیط نظام فراهم کند.

نظریهٔ سرمایهٔ اجتماعی

سرمایهٔ اجتماعی محصول نوعی سرمایه گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه است که به دنبال تثبیت یا بازتولید روابط اجتماعی است و مستقیماً در کوتاه مدت یا بلند مدت قابل استفاده است. با توجه به روند جهانی شدن و تضعیف نقش دولت‌های ملی به عنوان راه حلی قابل اجرا استفاده از سرمایهٔ اجتماعی در سطح اجتماعات محلی مورد توجه سیاست‌گذاران و مسئولان سیاست اجتماعی قرار گرفته است. از دیدگاه بوردیو، کلمن و پوتنام منظور از سرمایهٔ اجتماعی سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر می‌توانند به دست آورند. این منابع در شبکهٔ روابط قرار دارند و بستگی به این دارند که شما چه کسی را از نزدیک می‌شناسید و چه میزان با آن‌ها از نزدیک در ارتباط هستید(شارع‌پور، ۱۳۸۳: ٦۹-٦۳). مددکار اجتماعی برای مقتدرسازی گروه‌های اجتماعی محروم، نیازمند بهره‌گیری از سرمایهٔ اجتماعی است.

اولویت بعد اقتصادی مقتدرسازی

نظریهٔ مقتدرسازی دارای ابعاد پنج گانه است، اما تجربه نشان داده است اهمیت و ضرورت توجه به این ابعاد یکسان نیستند. با توجه به موقعیت زنان محروم و اهمیت تأمین

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

نیازهای حیاتی خانوار آنان، بدون انکـار اهمیـت ابعـاد مـشارکت، کنتـرل و آگـاهی، بعـد اقتصادی مقتدرسازی شامل درآمد و مالکیت در اولویت است.

در اکثر منابعی که به تعریف مقتدرسازی پرداخته‌اند بر پنج شاخص مذکور تأکید شـده است؛ اما در بین شـاخص‌هـای مـورد اشـاره، بـه دو شـاخص مربـوط بـه بعـد اقتـصادی مقتدرسازی یعنی درآمد و مالکیت اهمیت بیش‌تری داده شده است(یونیسف و دفتـر امـور مشارکت زنان، ۱۳۸۲).

مطالعهٔ علی حاج یوسفی(۱۳۷۲) پیرامون «مفهوم بی سرپرستی» نشان می‌دهد مددکاران اجتماعی بر مقتدرسازی اقتصادی مددجویان از طریـق آمـوزش و توسـعه ی کارگـاه‌هـای تولیدی بسیار تأکید دارند. مصاحبهٔ با مددکاران اجتماعی شهر تهران و درخواست تعریـف آنان از مقتدرسازی نیز نشان می‌دهد بدون انکـار ضـرورت ابعـاد دیگـر، نـزد ایـن گـروه مقتدرسازی اقتصادی دارای اولویت است(صداقت زادگان، ۱۳۸۵: ۱۵۰).

بدیهی است دسترسی بـه درآمـد و مالکیـت از نظـر زن سرپرسـت خـانوار نیـز دارای اهمیت بسیاری است و انگیزهٔ او را برای مشارکت بیش‌تر در طرح‌های مقتدرسازی افزایش می‌دهد. شواهد نشان می‌دهد، سخت‌ترین مرحلهٔ مقتدرسازی به ویژه در شرایط جامعـه ی ایران بعد اقتصادی است. در شرایط نرخ بالای بیکـاری و وجـود جمعیـت عظـیم جوانـان تحصیل کرده و جویای کار، تأمین نیازمندی‌های اقتصادی زنان سرپرسـت خـانوار اقـدامی بس شگرف محسوب می‌شود. کارشناسان سازمان‌های بین المللی و سازمان‌های مربوط بـه بهبود وضعیت زنان در کشورهای فقیر نیز بدون انکار ضـرورت پیگیـری ابعـاد دیگـر، در گام‌های آغازین مقتدرسازی، بر بعد اقتصادی تأکید دارند. تجربـهٔ ایـن اندیـشمندان نـشان می‌دهد بهتر است به همراه تأمین بعد اقتصادی، تحقق ابعاد دیگر نیز در ادامـه، مـورد نظـر قرار گیرد. از سوی دیگر طبق نظر جلال صدرالسادات و حسین حاج بابـایی ارزشـیابی در حرفهٔ مددکاری اجتماعی از سه طریق انجام می‌شود: مددجویان، همکاران و دانـش نظـری (۱۳۸۲: ۵۷). شواهدی که آورده شد نشان می‌دهد اولویت بعد اقتصادی مقتدرسازی مـورد تأیید هر سه است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

این در حالی است که تحقیق ماندانا کریمی(۱۳۸٤) در مورد «بررسی نقش عضویت زنان سرپرست خانوار در گروه‌های همیار بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنان» نشان می‌دهد، عضویت زنان در گروه‌های همیار سازمان بهزیستی موجب بهبود وضعیت زندگی اجتماعی آنان شده است، اما از نظر کسب درآمد و دست‌یابی به اعتبارات اقتصادی موفقیت اندکی کسب کرده است. مطالعهٔ کایزر و دیگران پیرامون گروه‌های همیار متشکل از ۱۰۹ زن سرپرست خانوار و زنان بیوهٔ ناشی از سونامی اقیانوس اطلس نیز نشان داده است وام‌های اعطا شده به این گروه‌ها تأثیر چندانی بر رفاه آن‌ها نداشته است (Kayzer et al, 2010: 12). مطالعهٔ گاریکی پاتی در هندوستان نیز نشان می‌دهد اعطای وام به تنهایی نمی‌تواند منجر به تحقق مقتدرسازی زنان عضو گروه همیار شود (Garikipati, 2008). با وجود عدم تحقق اهداف مقتدرسازی در بعد اقتصادی بالی ساوین و والنتاین معتقدند تاکنون پژوهش‌های اندکی به موضوع بعد اقتصادی مقتدرسازی گروه‌های همیار پرداخته است (Balisawin & Wallentain, 2009: 541). بر این اساس در ادامه، نقش گروه‌های همیار در تحقق بعد اقتصادی مقتدرسازی زنان سرپرست خانوار بحث می‌شود.

گروه‌های همیار

جمعیت زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی روز به روز در حال افزایش است. سازمان مذکور به تنهایی قادر به حمایت از این گروه نیست. بنابراین به جای حمایت مستقیم، راه‌حل‌های جایگزینی مطرح شد که بتواند به حل بنیادین مشکلات این گروه بپردازد. یکی از این راه‌حل‌های مطرح شده در دفتر امور زنان و خانوادهٔ سازمان بهزیستی «طرح گروه‌های همیار زنان سرپرست خانوار» است.

تجربه گروه‌های همیار در حوزهٔ پزشکی در امریکا و کشورهای اروپایی مانند انگلیس، فرانسه، بلژیک و کشورهای اسکاندیناوی تجربه‌ای موفق بوده است. به همین دلیل تا سال ۱۹۹۲، در اروپا تعداد این گروه‌ها به ۵۰۰ هزار مورد رسید. سرعت بالای شکل‌گیری

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

گروه‌ها حاکی از کارکرد مؤثر آن‌ها است. از جمله اهداف تشکیل گروه‌های همیار در این کشورها می‌توان به رفع آسیب‌های فردی، درمان افسردگی و تحقق کارکرد مقتدرسازی اشاره کرد (شادی طلب، ۱۳۸۳: ۲۳-۲۱).

در سال ۱۳۷۸ طرح گروه‌های همیار زنان سرپرست خانوار در سازمان بهزیستی ایران مطرح شد. در سال ۱۳۷۹ اجرای طرح در سطح استان‌های کشور گسترش یافت و پیرو آن در هر استان دو گروه همیار راه اندازی شد. در سال ۱۳۸۲ تعداد این گروه‌ها در کل کشور به ۳٥٤ مورد و در سال ۱۳۸۳ به ۵۰۵ مورد رسید. در گزارش کارشناسی دفتر امور زنان و خانواده برای تشکیل گروه‌های همیار سه هدف ذکر شده است:

۱ـ شرکت عادلانه و تساوی بیش‌تر با مردان؛

۲ـ انتخاب دامنهٔ وسیع‌تر از مشاغل؛

۳ـ دسترسی به منابع به صورت مستقیم (گزارش عملکرد گروه‌های همیار، ۱۳۸۱).

اشاره به سه هدف مذکور بیان کنندهٔ اشراف و آگاهی کارشناسان به نقش عوامل ساختاری در ضعف و بی قدرتی زنان سرپرست خانوار است. بدیهی است که برای مقابله با این عوامل ساختاری، استفاده از شیوه‌های مددکاری اجتماعی فردی کارساز نیست. اما سازمان دهی زنان برای تلاش به صورت گروهی و اعطای نقش فعال به زنان می‌تواند تصور این زنان را از خود به عنوان یک قربانی ساده و منفعل، به نگرش نسبت به خود به عنوان یک کنش‌گر آگاه تغییر دهد. به علاوه می‌توان آنان را از طریق کار گروهی به گونه‌ای آماده کرد تا از طریق کار جمعی، دنیایی را که در آن زیست می‌کنند تغییر شکل دهند(Bunch & Frost, 2000: 555).

از سوی دیگر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در سال ۱۳۸۵ ستاد ویژهٔ اشتغال را راه اندازی کرد. این ستاد برای حمایت از سازمان‌های حمایتی مانند سازمان بهزیستی، کمیتهٔ امداد امام خمینی و ... اعتبارات دولتی قابل توجهی در نظر گرفت. در عین حال سهم هر نهاد را بر اساس میزان تلاش و پی‌گیری آن نهاد برای حمایت از مددجویان مشروط کرد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

این شرط، سازمان‌های حمایتی دولتی را بر آن داشت تا برای جذب اعتبار لازم به تقویت گروه‌های همیار بپردازند. اما نکته‌ای که حائز اهمیت است و در گزارش مربوط به کارشناسان سازمان بهزیستی نیز اشاره شده است، ضرورت مراجعهٔ مستقیم و بهره‌گیری از منابع اجتماعی و محلی است. در گزارش‌های کارشناسی سازمان بهزیستی، منابع دولتی اختصاص یافته به امر مقتدرسازی زنان سرپرست خانوار ناکافی گزارش شده است(قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۱/۸/۲٤). بنابراین شناسایی و سپس مراجعه به منابع و امکانات محلی برای بهره‌گیری از بالقوه‌های محل سکونت زنان سرپرست خانوار به عنوان یکی از بندهای دستورالعمل تشکیل گروه‌های همیار مورد تأکید قرار گرفته است. پیش فرض دستورالعمل مذکور این است که با وجود حمایت‌های دولتی و رسمی بدون استفاده از امکانات محلی، مقتدرسازی زنان سرپرست خانوار از طریق گروه‌های همیار امکان پذیر نیست.

حتی قانون‌گذار نیز طی ماده واحدهٔ قانونی تشکیل سازمان بهزیستی کشور، رسماً امکانات محلی را در اختیار مددکاران، کارشناسان و مدیران سازمان بهزیستی قرار داده است. طبق قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست(قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۱/۸/۲٤) در مجموع قوانین و مقررات بهزیستی مصوب ۱۳۷٦، بر اساس مادهٔ ۱۰ قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست آمده است:

> *«کلیهٔ وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت و مؤسسات عمومی و سازمان‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام می‌باشند و موظفند همکاری‌های لازم را در زمینه اجرای این قانون با سازمان بهزیستی کشور معمول دارند (مجموعهٔ قوانین و مقررات بهزیستی، ۱۳۷٦).»*

بنابراین سازمان‌های حمایتی مانند سازمان بهزیستی به صورت بالقوه با در نظر گرفتن حمایت‌های قانونی برای حمایت از زنان سرپرست خانوار امکانات و اعتبارات لازم را در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

اختیار دارد، اما مسئله از یک طرف آماده کردن جمعیت مذکور برای کسب این اعتبار است و از سوی دیگر تجهیز و بسیج امکاناتی است که قانون‌گذار برای هدایت به سوی مقتدرسازی زنان سرپرست خانوار، در اختیار مددکار اجتماعی قرار داده است. پیش فرض قانون‌گذار و همین طور کارشناسان و برنامه ریزان طرح گروه‌های همیار این بوده است که امکانات سازمان‌های حمایتی برای اجرای برنامهٔ مقتدرسازی گروه‌های هدف کافی نیست(دستورالعمل اجرایی گروه‌های همیار، ۱۳۸۱). مقتدرسازی بدون ایجاد ساختار قادرساز به دست نمی‌آید. ایجاد چنین ساختاری تنها از طریق مشارکت افراد و نهادها ممکن است (Bunch & Frost, 2000: 554- 555). در چنین شرایطی مددکار اجتماعی موظف است از طریق تشکیل گروه همیار و هدایت امکانات محلی در خدمت اهداف گروه، حلقه‌ای واسط بین نقاط قوت محیطی و نقاط قوت زنان سرپرست خانوار ایجاد کند(کنیلا، ۱۳۸٤: ۱۲).

تجربیات پیشین گروه‌های همیار

تجربیات پیشین حاصل حضور محقق و مشاهدهٔ مستقیم به همراه مصاحبه با کارشناسان مستقر در سازمان بهزیستی، مددکاران اجتماعی و زنان عضو گروه‌های همیار است. در ادامه، با بهره‌گیری از مشاهدات فوق و همچنین بهره‌گیری از ارزیابی‌های انجام شده به صورت مکتوب، تجربهٔ گروه‌های همیار در دو شهر اصفهان و مشهد مقایسه می‌شود. در شهر مشهد تا سال ۱۳۸٤، ٦ گروه همیار شامل گروه‌های پویش(ساندویچ و پیتزا فروشی)، گل آرای توس (شرکت خدماتی)، پوریای توس (مهدکودک)، گل چهره(مهد کودک) و پویا(بسته‌بندی مواد غذایی) راه اندازی شده بود. چهار گروه همیار نخست متعلق به یک مددکار اجتماعی و نسبتاً موفق است. گروه بسته‌بندی مواد غذایی نیز متعلق به مددکاری دیگر بود. محقق در کنار ارتباط مستمر با گروه‌های همیار شهر تهران دو بار و به فاصلهٔ دو سال، از گروه‌های همیار شهر مشهد بازدید کرده است. مشاهدهٔ مرتبهٔ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

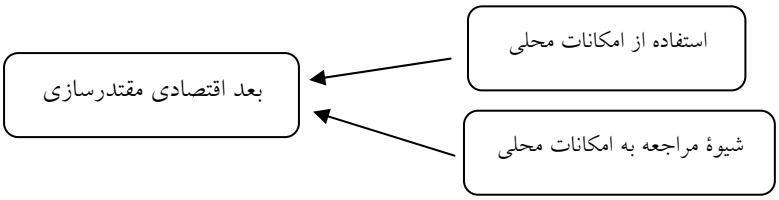
دوم حکایت از پیشرفت نسبی چهار گروه اول داشت، اما فعالیت گروه بسته‌بندی مواد غذایی پیشرفت محسوسی نداشت. مشاهدهٔ مستقیم فعالیت و مصاحبه با مددکاران و زنان سرپرست خانوار نشان داد وجه تمایز نحوهٔ عملکرد دو مددکار، ارتباط بیش‌تری بود که مددکار اول بین فعالیت زنان گروه همیار و امکانات محلی برقرار کرده بود.

در شهر اصفهان نیز تا سال ۱۳۸٤ مجموعاً پنج گروه همیار راه اندازی شده بود. فعالیت گروه‌ها شامل طبخ نان، طبخ نان سنتی، تولید پوشاک، تهیهٔ پولک و نبات و آرایشگاه زنانه بود. مشاهدهٔ مستقیم محقق نشان می‌دهد گروه‌های همیار شهر اصفهان نسبت به گروه همیار شهر مشهد توفیق کم‌تری داشته است. به جز گروه تولید پولک و نبات ـ که به تولید محصول بومی، سنتی و دارای بازار مصرف محلی مشغول بودند ـ کسب و کار گروه‌های دیگر رونق چندانی نداشت. مقایسهٔ گروه‌های همیار شهر اصفهان و مشهد نشان می‌دهد ستاد سازمان بهزیستی شهر مشهد برای مراجعه به امکانات محلی، اختیارات بیش‌تری به مددکار اجتماعی اعطا کرده است. این موفقیت از طریق اعطای اختیارات بیش‌تر به مددکار اجتماعی، و در نتیجهٔ برقراری ارتباط بیش‌تر با اشخاص حقیقی و حقوقی منطقه و استفاده از امکانات محلی امکان پذیر شده بود.

با توجه به آنچه مورد تأکید نظریه پردازان، تحقیقات و تجربیات پیشین و همین طور مورد تأکید طرح مقتدرسازی است، در این تحقیق نقش و اهمیت استفاده از امکانات محلی در تأمین بعد اقتصادی مقتدرسازی جمعیت هدف مورد سئوال قرار می‌گیرد. تحقیق حاضر بر اساس مدل ارائه شده زیر به مطالعهٔ تجربهٔ گروه‌های همیار شهرستان تهران طی پنج سال بین سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۰ می‌پردازد:

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

نمودار ۱: مدل نظری تحقیق



فرضیه‌ها

۱ـ به نظر می‌رسد بین استفاده از امکانات محلی و بعد اقتصادی مقتدرسازی گروه همیار رابطه وجود دارد.

۲ـ به نظر می‌رسد بین استفاده از امکانات محلی و درآمد گروه همیار رابطه وجود دارد.

۳ـ به نظر می‌رسد بین استفاده از امکانات محلی و مالکیت گروه همیار رابطه وجود دارد.

٤ـ به نظر می‌رسد بین شیوهٔ مراجعهٔ مددکار به امکانات محلی و بعد اقتصادی مقتدرسازی گروه همیار رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق از روش پیمایش استفاده می‌شود. در روش پیمایش ابزار فرضیه آزمایی پرسشنامه است. تعریف مفاهیم برای تنظیم پرسشنامهٔ تحقیق به این شرح است:

گروه همیار زنان سرپرست خانوار: منظور گروه‌هایی است متشکل از زنانی که در واحدهای بهزیستی شهرستان تهران به عنوان زن سرپرست خانوار دارای پرونده هستند و با هدف مقتدرشدن با همکاری مددکار اجتماعی گروه همیار تشکیل داده‌اند و از طریق سازمان ثبت شرکت‌ها به عنوان یک شرکت ثبت شده‌اند یا در حال ثبت بوده‌اند.

مقتدرسازی اقتصادی: مقتدرسازی ایجاد شرایط برای دست‌یابی به ۵ عامل شامل درآمد، مالکیت، آگاهی، کنترل و مشارکت است، در میان ابعاد مذکور منظور از مقتدرسازی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

اقتصادی تأمین نیازمندی‌های زن خانواده زن سرپرست در دو بعد درآمد و مالکیت است(یونیسف و دفتر مشارکت زنان، ۱۳۸۲). شاخص بعد اقتصادی مقتدرسازی از ترکیب میزان «درآمد» اعضای گروه همیار به همراه میزان «مالکیت» شامل سرمایه و هزینهٔ صرف شده برای راه اندازی گروه سنجیده می‌شود. دو متغیر از طریق دو گویه با پنج پاسخ در سطوح فاقد درآمد و مالکیت تا درآمد و مالکیت زیاد اندازه‌گیری شد.

استفاده از امکانات محلی: مقتدرسازی فرآیندی مشارکتی بین افراد و نهادهای اجتماعی است. مقتدرسازی بدون ایجاد ساختار قادرساز به دست نمی‌آید و ایجاد چنین ساختاری تنها از طریق مشارکت افراد و نهادها ساخته است (Bunch&Frost, 2000: 554- 555). در این جا منظور از امکانات محلی مشارکت سازمان‌های دولتی، غیر دولتی به همراه خیرین، شخصیت‌های برجسته و برقراری ارتباط با آنان برای هدایت اعتبارات و خدمات آنان در جهت تقویت گروه‌های همیار زنان سرپرست خانوار است. این متغیر از طریق ۷ پرسش باز در مورد انواع امکاناتی که در منطقه، در دسترس مددکار بوده است سنجیده شد و سپس مجموع موارد مراجعه موفقیت آمیز به عنوان میزان استفادهٔ هر مددکار از امکانات محلی به دست آمد.

شیوهٔ مراجعه به امکانات محلی: در اینجا منظور انواع روش‌های ممکن مراجعه به امکانات محلی برای تقویت گروه همیار است. این مراجعات می‌تواند به شیوهٔ مکاتبات اداری از طریق رئیس واحد یا مرکز و مقامات ستادی سازمان بهزیستی باشد یا از طریق مراجعهٔ شخصی مددکار به سازمان‌های دولتی، غیردولتی و خیرین انجام شود. این متغیر از طریق گویه‌ای با پاسخ‌های بسته شامل انواع شیوه‌های مراجعه ذکر شده سنجیده می‌شود.

جمع‌آوری اطلاعات پژوهش از طریق پرسشنامه‌ای با ۱۵ سئوال باز و بسته انجام شده است. مددکار اجتماعی به عنوان مسئول گروه همیار به عنوان آگاه‌ترین فرد در مورد میزان و شیوهٔ مراجعه به امکانات محلی و میزان مقتدرسازی گروه شناسایی شد. ارتباط با مددکار اجتماعی و گروه همیار از طریق هماهنگی اداری و دعوت به همکاری چند کارشناس

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

سازمان برای مشارکت در پژوهش امکان پذیر شد. بنابراین پرسشنامه به شیوهٔ مصاحبهٔ حضوری تکمیل شد و ریزش نداشت.

اعتبار یا روایی تحقیق از طریق اعتبار ملاک تامین شده است. منظور از اعتبار ملاک، بهره‌گیری از ابزارهای مشابه برای جمع‌آوری اطلاعات و مقایسهٔ آن با داده‌های ابزار تحقیق است. برای ارزیابی داده‌های تحقیق علاوه بر پرسشنامه از مصاحبه با کارشناسان سازمان بهزیستی و اعضای گروه همیار نیز استفاده شد. همچنین میزان موفقیت درآمدی و مالکیت گروه‌ها به وسیلهٔ کارشناسان گروه‌های همیار دیگر که نسبت به جریان فعالیت گروه همکار خود آگاهی داشتند کنترل شد. اعتماد یا پایایی تحقیق نیز با تکرار مصاحبه در زمان‌های مختلف تأمین شد.

موارد تحقیق شامل گروه‌های همیار زنان سرپرست خانواری است که تا پایان سال ۱۳۸۵ در شهرستان تهران تشکیل شده است. بهزیستی شهرستان تهران به سه بخش شهرتهران، شمیرانات و شهر ری تقسیم شده است. مجموع گروه‌های همیار زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سه بخش مذکور بالغ بر ۲۵ مورد بوده است. به منظور تجزیه وتحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌های تحقیق از نرم افزار SPSS استفاده می‌شود.

تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این بخش داده‌های جمع‌آوری شده ابتدا به صورت توصیفی و سپس به صورت تحلیلی بحث می‌شوند.

توصیف داده‌ها

از بین ۲۵ گروه همیار مورد مطالعه، ۱۵ گروه رسماً به ثبت رسیده‌اند.۱۰ گروه در مراحل مقدماتی قرار داشتند و در مرحلهٔ اقدام برای ثبت رسمی بودند. دامنهٔ متغیرمراجعه به امکانات محلی از ۰ تا ۱۱ مورد مراجعه به دست آمد. بیش‌ترین فراوانی، مربوط به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

استفاده از یک مورد است. مورد مذکور نیز عمدتا مراجعه به شهرداری منطقه بوده است. میانگین متغیر مراجعه به امکانات محلی ۳/۹ و انحراف معیار ۳/٤ به دست آمده است. به عبارتی، به طور متوسط برای هر گروه همیار نزدیک به چهار مورد از امکانات محلی استفاده شده است. دامنهٔ توزیع مقتدرسازی اقتصادی ۲ تا ۸ به دست آمد که پس از طبقه‌بندی، توزیع آن در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۱: توزیع نسبی گروه‌های همیار شهر تهران بر اساس بعد اقتصادی مقتدرسازی

مقتدرسازی اقتصادی گروه همیار	فراوانی	درصد
پایین	۱۷	٦٨
متوسط	٥	۲۰
بالا	۰	۰
اظهار نشده	۳	۱۲
جمع	۲٥	۱۰۰

طبق ارقام جدول، با افزوده شدن بر سطح بعد اقتصادی مقتدرسازی، از میزان فراوانی آن کاسته می‌شود. بیش‌ترین فراوانی (٦٨٪) مربوط به طبقهٔ پایین است. از هر ٥ گروه همیار شهر تهران یک گروه در سطح متوسط به توانمندی اقتصادی دست یافته‌اند. می‌توان نتیجه گرفت که از نظر بعد اقتصادی مقتدرسازی، گروه‌های همیار شهر تهران تا اندازه‌ای در سطح متوسط و بیش‌تر در سطح پایین قرار دارند. دامنهٔ درآمد گروه‌های همیار بین صفر تا ۱ میلیون ریال به دست آمد. توزیع میزان درآمد اعضای ۸۰٪ گروه‌ها حداکثر ۵۰۰ هزار ریال درآمد دارند. تنها یک گروه همیار است که اعضای آن از درآمدی نزدیک به ۱ میلیون ریال برای هر عضو بهره‌مند است. دامنهٔ توزیع میزان مالکیت نیز بین ٥ میلیون تا ۳۰ میلیون ریال به دست آمد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

در مجموع از نظر میزان درآمد و مالکیت، گروه‌ها در سطح پایینی قرار دارند. اما بین گروه‌ها به طور نسبی تفاوت‌هایی نیز مشاهده می‌شود. برخی از گروها درآمد و مالکیت بیش‌تری دارند و برخی از مددکاران گروه‌ها نیز از امکانات محلی بیش‌تری استفاده کرده‌اند.

تحلیل داده‌ها

در ادامه، رابطهٔ بین متغیرهای فرضیه‌های تحقیق بررسی می‌شود. فرضیه‌های رابطهٔ بین استفاده از امکانات محلی با بعد اقتصادی مقتدرسازی، درآمد و مالکیت گروه همیار از طریق همبستگی اسپیرمن بررسی می‌شوند.

جدول ۲: همبستگی بعد اقتصادی مقتدرسازی، درآمد، مالکیت و استفاده از امکانات محلی

متغیر	مقدار همبستگی اسپیرمن	P- value
مقتدرسازی اقتصادی	۰/۵۳	۰/۰۵
درآمد	۰/٦۰	۰/۰۰۰
مالکیت	۰/۰۷	۰/۷٤

اطلاعات جدول بین استفاده از امکانات محلی و مقتدرسازی اقتصادی رابطهٔ معنی دار نشان می‌دهد. هر چقدر مراجعه مددکار به امکانات محلی بیش‌تر است، قدرت اقتصادی گروه همیار زنان سرپرست خانوار نیز بیش‌تر است. بنابراین فرضیه تأیید می‌شود. آزمون فرضیهٔ رابطهٔ بین استفاده از امکانات محلی و درآمد گروه‌های همیار نیز بررسی شده است. همان گونه که ملاحظه می‌شود بعد درآمد مقتدرسازی اقتصادی با استفاده از امکانات محلی رابطه نشان می‌دهد. رابطهٔ به دست آمده مثبت است. یعنی با بالا رفتن میزان استفاده از امکانات محلی درآمد گروه همیار افزوده می‌شود. بنابراین فرضیه تأیید می‌شود. نتیجهٔ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

آزمون، فرضیهٔ استفاده از امکانات محلی و مالکیت گروه همیار زنان سرپرست خانوار را تأیید نمی‌کند. بعد مالکیت گروه‌های همیار با استفاده از امکانات محلی رابطه نشان نمی‌دهد. یعنی با مراجعهٔ مددکار به امکانات محلی در میزان مالکیت گروه همیار تغییری ایجاد نمی‌شود. در جدول شمارهٔ ۳ رابطهٔ دو متغیر با استفاده از مقایسهٔ میانگین دنبال شده است.

جدول ۳: مقایسهٔ میانگین استفاده از امکانات محلی در بین طبقات شیوهٔ درخواست کمک

نحوهٔ درخواست کمک	میانگین	انحراف معیار
هیچ کدام	۲/٦	۱/٤
رئیس واحد	۵/۲	۳/٤
مکاتبات اداری ستاد	۵/۷	۳
مراجعهٔ مددکار به خیرین	٦	–
مراجعهٔ مددکار به سازمان‌ها	۷/۵	۳/۵
کل	٤/۷	٤/٤

در ردیف اول جدول ۳ ملاحظه می‌شود اگر اقدامی در جهت درخواست کمک صورت نگیرد کم‌ترین میزان استفاده از امکانات محلی تحقق می‌یابد. با تغییر شیوهٔ مراجعه از شیوه‌های رسمی و اداری به سمت شیوه‌هایی که بیش‌تر مبتنی بر مراجعهٔ شخصی مددکار است، استفاده از امکانات محلی افزایش می‌یابد. میانگین استفاده از امکانات محلی در سطر شیوهٔ مراجعه به سازمان‌ها بیش از شیوه‌های دیگر مراجعه به دست آمده است.

جدول ٤: آزمون مقایسهٔ میانگین استفاده از امکانات محلی با شیوهٔ درخواست کمک

متغیر	مقدارآزمون F	value–p
شیوهٔ درخواست کمک	٤/۸	۰/۰۰۰

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

نتیجهٔ آزمون نشان می‌دهد تفاوت میانگین استفاده از امکانات محلی در سطر شیوه‌های درخواست کمک معنادار است. بنابراین با مراجعهٔ بیش‌تر مددکار اجتماعی به سازمان‌های دولتی و غیردولتی یا خیرین، امکانات محلی بیش‌تری در اختیار مددکار قرار گرفته است تا از آن‌ها در جهت مقتدرسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار بهره گیرد. از بین موارد استفاده از امکانات محلی کمک سازمان‌ها و بالاخص سازمان‌های دولتی چشم‌گیر است. از آنجا که میزان استفاده از سازمان‌های دولتی و غیر دولتی فاصله‌ای به دست آمد، بنابراین آزمون همبستگی آن با مقتدرسازی اقتصادی در جدول شمارهٔ ۵ ارائه می‌شود.

جدول ۵: آزمون همبستگی مقتدرسازی اقتصادی با استفاده از کمک سازمان‌ها و سازمان‌های دولتی

متغیر	مقدار همبستگی اسپیرمن	P- value
کمک سازمان‌ها	۰/٤٤	۰/۰٤
کمک سازمان‌های دولتی	۰/۸	۰/۰۰۰

طبق اطلاعات جدول بین بعد اقتصادی مقتدرسازی و کمک سازمان‌ها رابطهٔ معنی دار وجود دارد. به میزانی که مددکارتوانسته است کمک سازمان‌ها را به سوی نیازهای گروه همیار جلب کند بر میزان مقتدرسازی اقتصادی گروه همیار افزوده شده است. بنابراین از بین شیوه‌های مختلف مراجعه به امکانات محلی، شیوهٔ مراجعه مددکار به سازمان‌ها و بالاخص سازمان‌های غیر دولتی با مقتدرسازی رابطه نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که مقدار آزمون، بین مقتدرسازی اقتصادی و مراجعه به سازمان‌های دولتی رابطهٔ قوی‌تری نشان می‌دهد. به نحوی که اگر تمامی واریانس متغیر توانمند سازی اقتصادی در این فرضیه در نظر گرفته شوند، حدود ٦٤٪ (۰/۸ × ۰/۸) از تغییرات آن به وسیلهٔ مراجعه به سازمان‌های دولتی محقق شده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

بحث و نتیجه‌گیری

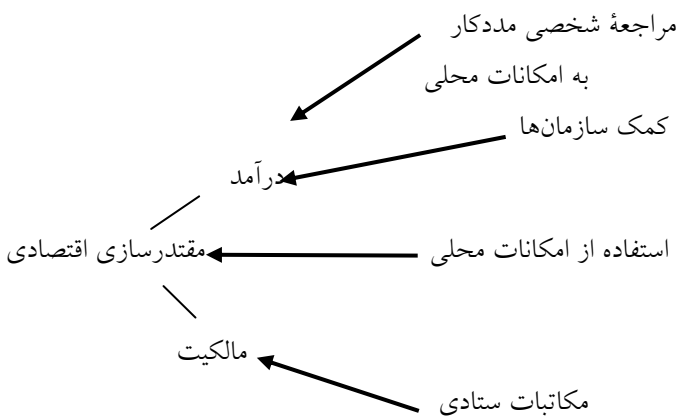
در شهرستان تهران ۲۵ گروه همیار شناسایی شد. موارد استفاده از امکانات محلی بین ۰ تا ۱۱ مورد به دست آمد. میزان استفادهٔ مددکاران اجتماعی از امکانات محلی کم و تا اندازه‌ای متوسط به دست آمد. بر اساس آزمون فرضیه‌های تحقیق رابطهٔ استفاده از امکانات محلی و مقتدرسازی اقتصادی تایید شد. رابطهٔ بین شیوهٔ مراجعه به امکانات محلی و مقتدرسازی اقتصادی نیز تأیید شد.به میزانی که از مراجعه به شیوه‌های اداری و نامه نگاری‌های رسمی به سوی شیوه‌های مراجعهٔ شخصی مددکار برای درخواست کمک نزدیک می‌شویم، بر میزان استفاده از امکانات محلی نیز افزوده می‌شود. تجربه نشان می‌دهد، مراجعهٔ مددکار به سازمان‌های دولتی و غیردولتی، بیش از نامه نگاری‌های ستاد یا رؤسای واحدها با درآمد زنان سرپرست خانوار عضو گروه همیار رابطه نشان می‌دهد. زیرا نامه نگاری‌های ستاد و رئیس مرکز بیش‌تر با سازمان بهزیستی بوده است. این شیوه با تأمین اعتبارات لازم، تنها مالکیت گروه را تأمین می‌کند. مالکیت به معنای هزینه‌های انجام شده برای راه اندازی فعالیت گروه با استفاده از امکانات محلی رابطهٔ معناداری نشان نمی‌دهد؛ اما رابطهٔ بین بعد میزان درآمد با استفاده از امکانات محلی معنادار است؛ با این علم که مالکیت گروه‌های همیار بیش‌تر از طریق کمک‌های سازمان بهزیستی تأمین شده است. کمک مالی سازمان بهزیستی، تنها به افزایش اعتبارات و سرمایهٔ گروه همیار کمک می‌رساند ولی به بازاریابی کالا یا خدمات تولید شده توسط گروه همیار کمکی نمی‌کند. اما برقراری رابطه میان فعالیت گروه همیار و امکانات محلی، تأمین کنندهٔ بازار مصرف برای محصول و در نتیجه افزایش درآمد گروه است.

پس از آموزش و سرمایه، بازاریابی یکی از عوامل تعیین کنندهٔ توفیق مقتدرسازی اقتصادی گروه‌های همیار است. نقش مراجعهٔ مددکار اجتماعی و حتی زنان سرپرست خانوار عضو گروه همیار به سازمان‌های دولتی و غیر دولتی، برای ایجاد پیوند بین امکانات جامعه و قوت و ضعف‌های زن سرپرست خانوار تعیین کننده است؛ نتیجهٔ آزمون نشان داد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

که مراجعهٔ مددکار به سازمان‌های دولتی با مقتدرسازی گروه رابطهٔ قوی‌تری دارد. پس از تحلیل فرضیه‌های تحقیق، مدل تحقیق به این شرح به دست آمد:

نمودار۲: مدل تحقیق پس از آزمون فرضیه‌ها



نکتهٔ قابل توجه در مدل فوق، رابطهٔ حمایت بخش ستادی با بعد مالکیت گروه همیار است. در صورتی که حمایت سازمان‌های دولتی محلی با تأمین بعد درآمد مقتدرسازی اقتصادی رابطه دارد، تأمین درآمد پس از راه اندازی گروه همیار زنان سرپرست خانوار، همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری مددکار اجتماعی و همچنین زنان عضو گروه‌های همیار است. زیرا اگر چه راه اندازی گروه از سوی مددکار اجتماعی امر دشواری تصور می‌شود اما دوام فعالیت گروه سخت‌تر از راه اندازی آن تلقی می‌شود. نتیجهٔ بررسی نشان می‌دهد ایجاد پیوند با امکانات محلی به‌خصوص سازمان‌های دولتی و تدبیری برای حفظ این پیوند، یکی از ابزارهایی است که می‌تواند ضامن تداوم بقای فعالیت گروه همیار باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

بقا به شرط حفظ ارتباط با محیط، تأییدی بر نظریهٔ کارکردگرایی است که مبادله با محیط را ضامن بقا و دوام نظام اجتماعی می‌داند. هیچ نظامی خود بسنده و بی نیاز از محیط نیست. دریافت انرژی و اطلاعات از محیط ضامن بقای نظام اجتماعی است. سازمان بهزیستی به عنوان یک نظام اجتماعی نیازمند مبادلهٔ انرژی و اطلاعات با محیط است. در تحقیق حاضر، رابطهٔ مثبت برقراری ارتباط بین فعالیت گروه همیار و امکانات محلی، آشکار شد. گروه‌های همیاری که بیش‌تر از داده‌های محیط بهره گرفته‌اند، ستاندهٔ بهتری نیز برای محیط تولید کرده‌اند.

در برخی از مباحث نظری، سرمایهٔ اجتماعی نیز در سطح خرد به عنوان حافظ پیوند نظام با محیط اجتماعی بحث شده است. سرمایهٔ اجتماعی در قلمرو سازمان‌های حمایتی به زبانی ساده از طریق ایجاد و تقویت شبکه‌های اجتماعی در خدمت جمعیت هدف سازمان‌های مذکور عمل می‌کند. از نظر برخی از اندیشمندان قانون «قوی همیشه پیروز است» در جامعه حاکم است. در چنین شرایطی، بهره‌گیری از شبکه‌های ارتباطی حمایتی در خدمت مقتدرسازی محرومان و فقرا یک ضرورت است.

مهم‌ترین راهکارهای استخراجی از نتایج این تحقیق برای سازمان بهزیستی و سازمان‌های مسوول مقتدرسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار عبارتند از: جمع‌آوری تجربیات موفق مراجعه مددکاران اجتماعی به امکانات محلی، ترکیب این تجربیات با دانش نظری به منظور بارورسازی آن، برگذاری دوره‌های آموزشی استفاده از امکانات محلی در خدمت مقتدرسازی جمعیت هدف برای مددکاران اجتماعی، محتوای آموزشی این دوره‌ها ترکیبی از تجربیات مددکاران اجتماعی و دانش نظری باشد. علاوه براین امکاناتی که آیین نامه‌ها و بالاخص قانونگذار از محل سازمان‌های دولتی در اختیار مددکاران قرار داده است در این دوره‌ها مورد تأکید بیش‌تر قرار گیرد. علاوه بر آموزش کارآمد، به مددکار اجتماعی اختیارات بیش‌تری اعطا شود، به نحوی که مددکار بتواند آموخته‌های مذکور را با تجربیات کاری خود، در زمینهٔ مراجعه به امکانات محلی غنی‌تر کند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

منابع و مأخذ References

- حاج یوسفی، علی .(۱۳۷۲)، **بررسی مفهوم و پدیدهٔ بی سرپرستی**، جلد دوم، گزارش پژوهشی، معاونت پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
- **دستورالعمل اجرایی گروه‌های همیار زنان سرپرست خانوار**. (۱۳۸۱)، سازمان بهزیستی کشور.
- شادی طلب، ژاله. (۱۳۸۳)، **شیوه‌های توانمند سازی زنان سرپرست خانوار** (ویرایش نشده) مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، دانشگاه تهران.
- شارع‌پور، محمود .(۱۳۸۳)، **ابعاد و کارکردهای سرمایهٔ اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن**، درسنامهٔ بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- صداقت زادگان، شهناز. (۱۳۸۵)، **عوامل مؤثر بر استفادهٔ مددکاران اجتماعی از امکانات محلی در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار شهر تهران**، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، معاونت پژوهشی
- صدرالسادات، سید جلال و حسین حاج بابایی. (۱۳۸۲)، **ارزشیابی در حرفهٔ مددکاری، فصلنامه مددکاری اجتماعی**، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی: شماره‌های ۱۲ و ۱۳.
- صدرالسادات، سید جلال و حسین حاج بابایی. (۱۳۸۲)، **ارزشیابی در حرفهٔ مددکاری ۲**، فصلنامه مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی: شماره‌های ۱٤ و۱۵.
- صندوق کودکان ملل متحد یونیسف و دفتر امور مشارکت زنان ریاست جمهوری. (۱۳۸۲)، **نقش زن در توسعه**، تهران: روشنگران.
- کریمی، ماندانا .(۱۳۸٤)، **بررسی نقش عضویت زنان سرپرست خانوار در گروه‌های همیار بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنان**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- کنیلا، دنیس.(۱۳۸۳)، **توانمند سازی منابع انسانی، مهدی ایران نژاد پاریزی**، معصوم علی سلیمیان، تهران: نشر مدیران.
- مافت، مری دبلیو، خوزه بی اشفورد. (۱۳۷۵)، **اصول و مبانی مددکاری اجتماعی**، تهران: موسسه انتشارات آوای نور.
- **مجموعهٔ قوانین و مقررات بهزیستی**. (۱۳۷٦)، به کوشش محمد منصوری، سازمان بهزیستی کشور.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]

References **منابع و مآخذ**

- Bali Sawin, Ranjola & Fan Yang Wallenitin. (2009), Does microfinance empower women? Evidence from self-help groups in India, ***International Review of Applied Economics***, NewYork, Vol.2.
- Bunch, Charlott & Samanta Frost .(2000), Empowerment , in ***Routledge international Encyclopedia of women***, Vol.2, NewYork: Rouyledge .
- Dominelli, Lena .(2002), ***Feminist Social work Theory and Practice***, UK: Palgrave.
- Gatrikipati, Supriys.(2008), The impact of lending to women household vulnerability and women's empowerment evidence from India, online.
- Kayzer, Kano & M. Lombe , C. Newransky, G. Tower, P.M. Raj. (2010), Microcredit self-help groups for widowed and abandoned women in south Indian: Do they help ?. ***Journal of soc***, Vol. 36, Pp. 12-23.
- Peterson, Ruth.(2008), Women's empowerment in challenging environments: ***A case study from Balochestan in development in practice***. Vol. 18. No. 3 , pp. 333-344.
- Shankar, Yelaja .(1999), Functional ***Theory for Social work practice in Social work treatment***, edited by Francis J. Turner , 4th ed, NewYork: Free Press.
- Smale , G & G . Tuson & D.Satham .(2001), Social Work and Social Problems , ***Working Towards Social Inclusion and Social Change***, Basingstoke: MacMillan.
- www.tgfworld.org/aa-%20womens%20earn. ***While you learn empowerment-htm-13konsite daily support*** (2006).
- www.ifad.org/gender/learning/role/labour/intmil.html-26k(2006).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-19]